

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

یونس نگاه  
۱۸ اکتوبر ۲۰۲۲



یونس نگاه

## هزارستان

مردم هزاره در دهه هجدهصد و نود میلادی استقلال داخلی خود را از دست دادند. تا آن زمان ساکنان مناطق هزارمنشین در مرکز افغانستان در امور داخلی خود استقلال داشتند و با شاهان و امپراتورها از طریق خان‌ها و میران تماس می‌گرفتند، مالیه، عسکر یا باج می‌دادند. البته قبل از آن نیز تلاش‌هایی برای تسخیر هزارستان انجام یافته بود. همین انزوای جغرافیایی و استقلال داخلی مردم هزاره را نسبت به سایر ساکنان افغانستان متفاوت ساخته است. با تمام اشتراکات، این مردم از جهتی با هر کتله دیگر ساکن این سرزمین تفاوت دارد. این امر باعث تشنج‌هایی شده است که هنوز پایان ندارد.

کسانی که خواهان ایجاد افغانستان واحدند باید متوجه باشند که پروسه ملت‌سازی و ساختن کشور واحد در ملک ما به پایان نرسیده و شکننده است. تمایل استقلال در میان هزاره‌ها جدی است و یکی از عوامل دوام این تمایل انکار قدرت‌مندان افغانستان از وجود این مردم است. رهبران پرنفوذ و سیاست‌مدارانی که ارگ را تسخیر می‌کنند و مدعی ایجاد وحدت میان مردم این سرزمین می‌باشند، با مردم هزاره سیاست انکار را پیشه می‌کنند. اما انکار باعث ادغام هزاره‌ها در بدنه دولت-ملت افغان نمی‌شود بلکه آنان را به حاشیه می‌رانند. حاشیه ماندن باعث می‌شود که این مردم به گذشته و انسجام درونی خود بیشتر اتکاء کنند. این هردو، حس استقلال‌خواهی را دامن می‌زند.

یکی از افراد مشهوری که انکار هزاره را پی‌گیر تعقیب کرده، گلبدین حکمتیار است. او در زمان تشکیل حکومت موقت مجاهدین در پیشاور از نفوس هزاره‌ها به هدف انکار و تخفیف احصائیه داده و گفته بود که آنان اقلیت کوچک شش‌هزار خانواده اند که در کوهپایه‌ها زندگی می‌کنند و زمانی که حکومت اسلامی مستقر شد به مسایل آنان نیز رسیدگی می‌کنیم.

وقتی کاندید ریاست جمهوری بود در پاسخ به سوالی که در رهبری پیشنهادی شما چه کسی از هزاره‌ها نمایندگی می‌کند، حاضر نشده بود مثل یک سیاستمدار نورمال توضیح دهد که مثلاً ما تیم خود را بر معیار قومی نمی‌سازیم بلکه می‌کوشیم با ساختن حکومت سالم و عادلانه همه ساکنان کشور را فرصت کار و زندگی برابر بدهیم. او با لبخند تمسخرآمیز گفته بود: من از هزاره‌ها نمایندگی می‌کنم!

بتازگی در رسانه‌ها سخن تازه‌ای از گلبدین نجر شد است: شما با هشت ولسوالی بامیان و دایکندی هزارستان می‌سازید! کسانی که به ضرورت افغانستان واحد باور دارند باید در برابر این اظهارات موضع بگیرند و روشنگری کنند. گفتن این که شما هشت ولسوالی هستید و هزارستان ساخته نمی‌توانید از چند جهت زشت است: قبل از همه این جمله انکار هزاره است و این که شما نیستید! فقط در هشت ولسوالی زندگی می‌کنید و جای دیگر وجود ندارد.

دیگر، گفتن این سخن دعوت هزاره‌ها به یک نبرد است. او می‌گوید شما آدم این کار نیستید، و نمی‌توانید هزارستان بسازید. ما به‌زور، نه با تأمین عدالت شما را وادار به پذیرش "وحدت" می‌کنیم.

او فراموش می‌کند که انکار بزرگترین عامل تحریک استقلال‌خواهی است. حتی اگر ساکنان یک ولایت به‌صورت دوامدار، سیستماتیک و تحقیرآمیز انکار شوند، انگیزه جدائی و استقلال در آنان زنده می‌ماند. شاید ده‌ها سال سکوت کنند ولی زمانی که فرصتش برسد راه خود را خواهند رفت. در جهان بسیار کشورهای کوچک داریم. حتی گاهی در درون یک کشور، سرزمین خودمختار و صاحب استقلال داخلی داریم. کشورهایی به بزرگی جغرافیای دایکندی و بامیان بسیارند. ممالکی با نصف نفوس هزاره نیز وجود دارند.

روشنفکران و قلم‌به‌دستان حامی افغانستان واحد و مخالف تجزیه باید در برابر این سخنان واکنش نشان دهند و به همدلی و اتحاد کمک کنند. اگر نتوانیم کشوری دمکرات و حاصل جمع حضور همه تشکیل دهیم، هزارستان حتماً دیر یا زود به شکل ایالت خودمختار یا سرزمین مستقل به وجود خواهد آمد. شاید صدسال دیگر به تعویق افتد، اما مردم انکار شده گاهی هزارسال بعد با عقده‌های کهنه برگشته دعوی وطن کرده‌اند.

وطنی که سرسپردگی بخواهد و بر انکار وجود انسان بنا شود، به کفش کهنه نمی‌ارزد.